

نظام انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی

محمدباقر خرمشاد*

ابوذر رفیعی قهساره**

چکیده

نظام‌های انتخاباتی از جمله مهم‌ترین نهادهای حقوقی و سیاسی در هر کشور دموکراتیک‌اند. تحقیقات و پژوهش‌های متعددی که محققان و پژوهشگران علوم سیاسی درباره نظام‌های انتخاباتی در کشورهای گوناگون طی سال‌های اخیر انجام داده‌اند، به‌خوبی نشان می‌دهد که نهاد نظام انتخاباتی در بخش‌های گوناگون حیات سیاسی در هر کشور تأثیرات عمیق و پایداری می‌گذارد. به‌رغم اهمیت بسیار نظام‌های انتخاباتی، هنوز تحقیقات و مطالعات جامع و کاملی در کشورمان درباره نوع نظام انتخاباتی به‌کاررفته در انتخابات برگزارشده در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز پیامدها و تأثیرات سیاسی این نظام‌های انتخاباتی صورت نگرفته است.

در این مقاله تلاش شده است ضمن بررسی انواع مختلف نظام‌های انتخاباتی که در کشورهای دموکراتیک در سطح جهان به کار می‌رود، نوع نظام (های) انتخاباتی به‌کاررفته در انتخابات برگزارشده در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران مطالعه شود. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که نظام انتخاباتی به‌کاررفته در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نظام انتخاباتی دومرحله‌ای بوده است که از جمله نظام‌های انتخاباتی اکثریتی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، انتخابات مجلس شورای اسلامی، نظام‌های انتخاباتی، نظام انتخاباتی دومرحله‌ای، انقلاب اسلامی.

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی khoramshad@ipis.ir

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول) rafiei_aboozar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۳

۱. مقدمه

تحقیقات و پژوهش‌های متعدد محققان و پژوهشگران در کشورهای گوناگون در زمینه نظام‌های انتخاباتی نشان می‌دهد که نظام‌های انتخاباتی از جمله مهم‌ترین نهادهای سیاسی در هر کشورند (Farell, 2011: 5-6; Rocha Menocal, 2011). آنچه باعث این اهمیت شده آن است که نظام‌های انتخاباتی آرای به صندوق ریخته‌شده در انتخابات را به کرسی‌ها تبدیل می‌کنند. در واقع، نظام‌های انتخاباتی مشخص می‌کنند پیروز انتخابات کیست و چه کسی باید کرسی‌ها (قدرت سیاسی) را در اختیار بگیرد، اما اهمیت نظام‌های انتخاباتی به همین جا ختم نمی‌شود. در واقع نظام‌های انتخاباتی در همه ابعاد و بخش‌های حیات سیاسی هر کشور تأثیری عمیق و پایدار بر جای می‌گذارند (Rocha Menocal, 2011: 4).

از جمله نخستین افرادی که به شکلی منسجم و علمی به مطالعه نظام‌های انتخاباتی و پیامدهای سیاسی آن‌ها پرداخت موریس دوورژه بود (Farell, 2011: 10). وی با بررسی نظام‌های انتخاباتی مختلف در کشورهای متعدد به این نتیجه رسید که رابطه مستقیمی بین نوع نظام انتخاباتی یک کشور و نوع نظام حزبی آن برقرار است. بر اساس یافته‌های وی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی تک‌مرحله‌ای باعث ایجاد نظام‌های دوحزبی، و نظام‌های انتخاباتی تناسبی و اکثریتی دو مرحله‌ای باعث ایجاد نظام‌های چندحزبی می‌شوند (دوورژه، ۱۳۸۹: ۴۵؛ ایوبی، ۱۳۸۲: ۵۴).

پس از دوورژه تحقیقات و پژوهش‌های بی‌شماری درباره نظام‌های انتخاباتی و پیامدهای سیاسی آن‌ها در کشورهای گوناگون انجام شد. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که نظام‌های انتخاباتی نه فقط در نوع نظام حزبی کشور تأثیر می‌گذارند، بلکه سایر بخش‌های سیاسی آن کشور را هم به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند (Taagepera and Shugart, 1991: 15). از جمله مهم‌ترین بخش‌های سیاسی که شدیداً تحت تأثیر نظام انتخاباتی اند می‌توان از نوع نظام حکومتی، نظام حزبی، شکاف‌های اجتماعی، وضعیت و جایگاه سیاسی زنان، وضعیت سیاسی اقلیت‌ها و میزان مشارکت شهروندان در انتخابات یاد کرد (Norris, 2004: 25).

با آشکار شدن اهمیت نظام‌های انتخاباتی در حیات سیاسی یک کشور و تأثیر تعیین‌کننده آن‌ها، مطالعه نظام‌های انتخاباتی به تدریج تبدیل به یکی از شاخه‌های فرعی جامعه‌شناسی سیاسی شد و به این ترتیب رشته فرعی مطالعه نظام‌های انتخاباتی یا «مهندسی انتخاباتی» شکل گرفت (Reynolds and Mosley, 2002: 5). در این زمینه مطالعات و پژوهش‌های

گسترده‌ای در زمینه نظام‌های انتخاباتی و پیامدها و نتایج سیاسی آن‌ها در کشورهای گوناگون به انجام رسید. محققان و پژوهشگران رشته مطالعات نظام‌های انتخاباتی در کشورهای گوناگون کوشیده‌اند تا ضمن مطالعه نظام انتخاباتی کشور خود و مقایسه آن با نظام‌های انتخاباتی سایر کشورها نتایج مثبت و منفی نظام انتخاباتی خود را آشکار کنند و با تغییر کل یا بخشی از آن نظام انتخاباتی نقاط ضعف آن را رفع و نقاط قوت آن را تقویت کنند (Norris, 2008; Gallagher and Mitchell, 2008).

متأسفانه به‌رغم اهمیت فوق‌العاده نظام انتخاباتی یک کشور برای حیات سیاسی آن، تحقیقات و مطالعات جامع و کاملی در کشورمان درباره نظام‌های انتخاباتی صورت نگرفته است. این در حالی است که با مطالعه نظام‌های انتخاباتی کشور و آشکارشدن پیامدهای مثبت و منفی آن می‌توان بسیاری از مشکلات سیاسی کشور را، که تا حد زیادی تحت تأثیر نظام انتخاباتی‌اند، رفع کرد.

۲. نظام‌های انتخاباتی: مسائل مفهومی و نظری

نظام‌های انتخاباتی را می‌توان مجموعه‌ای از قوانین و مقررات دانست که بر اساس آن‌ها آرایه‌ای که در یک انتخابات عمومی به صندوق انداخته شده است به کرسی‌هایی تبدیل می‌شوند که احزاب و کاندیداها آن‌ها را اشغال می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۵؛ نوذری، ۱۳۸۱: ۱۶۲). در واقع نظام‌های انتخاباتی بر اساس آرایه‌ای که رأی‌دهندگان به صندوق‌های رأی انداخته‌اند پیروز انتخابات را مشخص می‌کنند و تعیین می‌کنند که هر حزب یا گروه سیاسی باید چه سهمی از قدرت سیاسی داشته باشد (لاندل، ۱۳۸۹: ۳۱). در *دانشنامه علوم سیاسی* تعریف نظام انتخاباتی این‌چنین است: «مجموعه‌ای از قوانین و مقررات که نحوه انتخاب نمایندگان مردم را مشخص می‌کند» (Yon, 2011: 488).

آرند لیجفارت نیز در کتاب *نتایج سیاسی نظام‌های انتخاباتی* نظام‌های انتخاباتی را این‌چنین تعریف می‌کند: «مجموعه روش‌هایی که شهروندان برای انتخاب نمایندگان خود به کار می‌گیرند. در واقع نظام‌های انتخاباتی نحوه تخصیص کرسی‌ها را بر مبنای آرا مشخص می‌کنند» (Lijphart, 1986: 12).

اکثر محققان نظام انتخاباتی را متشکل از سه جز می‌دانند. از نظر داگلاس رائی مهم‌ترین اجزای هر نظام انتخاباتی عبارت است از:

۱. فرمول انتخاباتی: یعنی این که نظام انتخاباتی مورد استفاده اکثریتی، تناسبی، مختلط و یا از نوع دیگری است؛ و این که چه فرمول ریاضی‌ای برای توزیع کرسی‌ها استفاده می‌شود؛
 ۲. ساختار برگه رأی‌دهی: یعنی این که آیا رأی‌دهندگان به یک نامزد رأی می‌دهند یا به یک حزب؛ و آیا رأی‌دهنده در برگه رأی‌دهی فقط یک حق انتخاب دارد یا مجموعه‌ای از اولویت‌ها را تعیین می‌کند؛
 ۳. وسعت حوزه‌های انتخابیه: به این معنا که از هر حوزه انتخابیه چه تعداد نماینده انتخاب می‌شود (Rae, 1971: 25؛ لاندل، ۱۳۸۹: ۳۱؛ رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۱).
- البته لیجفارت از جزء چهارمی نیز نام می‌برد و آن حد نصاب انتخاباتی است. حد نصاب انتخاباتی به معنای حداقل آرای است که یک کاندیدا و یا حزب برای پیروزی در انتخابات باید به دست بیاورد (Lijphart, 1995: 412).

۳. انواع نظام‌های انتخاباتی و کاربرد آن‌ها در سطح جهان

تعداد نظام‌های انتخاباتی بی‌شمار است (Farell, 2011: 4-5)، با این حال بر اساس چهار فاکتور پیش‌گفته، یعنی فرمول انتخاباتی، ساختار برگه‌های رأی‌دهی، وسعت حوزه‌های انتخابیه، و حد نصاب انتخاباتی می‌توان نظام‌های انتخاباتی رایج را به چهار شاخه اصلی و دوازده شاخه فرعی تقسیم کرد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۵؛ هیوود، ۱۳۸۹: ۳۴۲).

بر اساس فرمول انتخاباتی مورد استفاده می‌توان نظام‌های انتخاباتی را به چهار دسته کلی تقسیم کرد. این چهار دسته عبارت‌اند از: ۱. نظام‌های اکثریتی، ۲. نظام‌های تناسبی، ۳. نظام‌های مختلط، و ۴. سایر نظام‌ها.

۱,۳ نظام‌های اکثریتی

قاعده نظام‌های اکثریتی بسیار ساده است. پس از آن‌که آرا به صندوق انداخته شد و شمارش آن‌ها صورت گرفت، آن کاندیداها یا احزابی که در حوزه انتخابیه خود بیشترین آرا را کسب کرده باشند پیروز انتخابات معرفی می‌شوند (Farell, 2011: 15; Evans, 2004: 98-99). با این حال، شیوه‌های تحقق این قاعده در عمل شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد و بر این اساس می‌توان پنج نوع نظام اکثریتی را از هم باز شناخت: ۱. نظام اکثریتی ساده یا نسبی، ۲. نظام رأی دسته‌جمعی، ۳. نظام رأی دسته‌جمعی حزبی، ۴. نظام رأی بدیل و ۵. نظام دومرحله‌ای (Farell, 2011: 15; Evans, 2004: 98-99).

۱,۱,۳ نظام اکثریتی ساده یا نسبی (first-past-the-post)

این نظام انتخاباتی ساده‌ترین شکل نظام‌های اکثریتی است (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۵؛ ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۵-۲۶۶). در این نظام انتخاباتی وسعت حوزه‌های انتخابیه (یعنی تعداد نمایندگان هر حوزه) یک است (Farell, 2011: 14). همچنین رأی‌دهی در این نظام کاندیدامحور است، یعنی رأی‌دهندگان به کاندیداها رأی می‌دهند نه به احزاب (Colomer, 2004: 62). شیوه انتخاب نمایندگان در این نظام به این صورت است که ابتدا کل کشور به تعداد زیادی حوزه انتخابیه تک‌نماینده‌ای تقسیم می‌شود، سپس فهرست اسامی کاندیداها هر حوزه در اختیار رأی‌دهندگان همان حوزه قرار می‌گیرد. در مرحله بعد رأی‌دهندگان از میان اسامی کاندیداها یک کاندیدا را انتخاب می‌کنند و نام وی را روی برگه رأی‌دهی می‌نویسند و یا جلوی نام وی علامت می‌گذارند. کاندیدای پیروز در هر حوزه کسی است که نسبت به سایر کاندیداها بیشترین آرا را در آن حوزه از آن خود کرده باشد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۳-۷۰؛ Amy, 2000: 27-29).

در مجموع از ۲۰۱ کشور و منطقه خودمختار، ۴۹ کشور (۲۴ درصد) از نظام انتخاباتی اکثریتی ساده برای انتخاب نمایندگان مجالس خود استفاده می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۰).

۲,۱,۳ نظام رأی دسته‌جمعی یا گروهی (block vote)

نظام رأی دسته‌جمعی نیز همانند نظام اکثریتی ساده کاندیدامحور است، یعنی در این نظام رأی‌دهندگان به کاندیداها رأی می‌دهند و نه به احزاب سیاسی (همان). با این حال، در این نظام، برخلاف نظام اکثریتی ساده، وسعت حوزه‌های انتخابیه بیش از یک است. به عبارت دیگر در این نظام از هر حوزه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود (همان؛ لاندل، ۱۳۸۹: ۴۱). همچنین ساختار برگه‌های رأی‌دهی در این نظام متفاوت از نظام قبلی است، به این معنا که رأی‌دهندگان به جای نوشتن نام یک کاندیدا بر روی برگه‌های رأی‌دهی به اندازه تعداد نمایندگانی که قرار است از آن حوزه انتخابیه انتخاب شوند، حق رأی دارند (فارل، ۱۳۹۰: ۸). نحوه انتخاب نمایندگان در این نظام انتخاباتی به این ترتیب است که ابتدا کل کشور از طریق نهادی که مسئول ترسیم مرزهای انتخاباتی است به تعداد زیادی حوزه انتخابیه چندنماینده‌ای تقسیم می‌شود، سپس اسامی کاندیداها هر حوزه انتخابیه در اختیار رأی‌دهندگان آن حوزه قرار می‌گیرد. رأی‌دهندگان از میان این اسامی، متناسب با تعداد

نمایندگان آن حوزه، تعدادی را برمی‌گزینند و اسامی آنها را بر روی برگه‌های رأی‌دهی می‌نویسند. کاندیداهای پیروز در هر حوزه نسبت به سایر کاندیداها رأی بیشتری کسب کرده‌اند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۰-۷۱).

در حال حاضر فقط ۱۵ کشور (۷/۵ درصد) از کشورهای جهان از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند.

۳,۱,۳ نظام انتخاباتی رأی دسته‌جمعی حزبی (party block vote)

در نظام انتخاباتی رأی دسته‌جمعی حزبی، مانند نظام رأی دسته‌جمعی، وسعت حوزه‌های انتخابیه بیش از یک است، یعنی در این نظام انتخاباتی از هر یک از حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود (همان: ۷۱-۷۳). با این حال، این نظام انتخاباتی، برخلاف دو نظام انتخاباتی قبلی، حزب‌محور است و نه کاندیدامحور. به این معنا که در این نظام رأی‌دهندگان به جای انتخاب یک یا چند کاندیدا به یک حزب رأی می‌دهند (Colomer, 2004: 62). شیوه انتخاب نمایندگان در نظام انتخاباتی رأی دسته‌جمعی حزبی به این شکل است که ابتدا کشور به حوزه‌های انتخابیه متعدد تقسیم می‌شود و سپس هر حزبی که مایل به شرکت در انتخابات آن حوزه است، لیستی از کاندیداهای خود در آن حوزه ارائه می‌کند. رأی‌دهندگان از میان لیست‌های حزبی مختلف یک لیست را انتخاب می‌کنند. هر لیستی که نسبت به سایر لیست‌های حزبی آرای بیشتری به دست آورد پیروز انتخابات آن حوزه است (ibid: 63).

به طور کلی فقط در ۴ کشور (۱/۵ درصد) از کل کشورهای جهان این نظام انتخاباتی به کار برده می‌شود (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۳).

۴,۱,۳ نظام انتخاباتی رأی بدیل (alternative vote)

در نظام انتخاباتی رأی بدیل وسعت حوزه‌های انتخابیه یک است، یعنی از هر حوزه انتخابیه فقط یک نفر انتخاب می‌شود (لاندر، ۱۳۸۹: ۴۸؛ Farrell, 2011: 55). این نظام انتخاباتی کاندیدامحور است. با این حال، نظام انتخاباتی رأی بدیل تفاوت‌های مهمی با نظام اکثریتی ساده دارد (ibid).

در نظام انتخاباتی رأی بدیل ابتدا کل کشور به تعداد زیادی حوزه انتخابیه تک‌نماینده‌ای تقسیم می‌شود، سپس لیست کاندیداهای هر حوزه انتخابیه در اختیار رأی‌دهندگان آن حوزه قرار می‌گیرد، اما رأی‌دهندگان به جای انتخاب یک نفر از

کاندیداهای این لیست، بایستی اقدام به رتبه‌بندی کل کاندیداهای لیست کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۳). این شیوه رأی‌دهی به «رأی‌دهی ترجیحی» یا «رأی‌دهی مبتنی بر اولویت‌دهی» معروف است (لانلد، ۱۳۸۹: ۴۹). شیوه مشخص‌شدن کاندیدای پیروز هم در نظام رأی بدیل متفاوت از نظام اکثریتی ساده است. در نظام اکثریتی ساده کاندیدایی پیروز انتخابات است که اکثریت نسبی آرا را در یک حوزه انتخابیه به دست آورد، یعنی نسبت به سایر کاندیداهای آن حوزه رأی بیشتری کسب کند، اما در نظام انتخاباتی رأی بدیل کاندیدای پیروز باید اکثریت مطلق آرا را به دست آورد، به این معنا که کاندیدای پیروز هر حوزه انتخابیه کسی است که نصف به علاوه یک اولویت‌های اول رأی‌دهندگان را از آن خود کند. چنانچه هیچ کاندیدایی نتواند اکثریت مطلق اولویت‌های اول را از آن خود کند کاندیدایی که کمترین اولویت اول را کسب کرده است از شمارش آرا حذف می‌شود و آرای او بین کاندیداهای باقی‌مانده تقسیم می‌شود. این فرایند آن‌قدر تکرار می‌شود تا بالاخره یکی از کاندیداها اکثریت مطلق اولویت‌های اول را از آن خود کند و به عنوان پیروز انتخابات معرفی شود (Farell, 2011: 50-55).

تعداد کشورهایی که از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند انگشت‌شمار است و فقط ۳ کشور واقع در منطقه اقیانوسیه یعنی استرالیا، فیجی و گینه جدید پاپوآ در سطح ملی از این نظام انتخاباتی برای انتخاب نمایندگان مجالس خود استفاده می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۵).

۵,۱,۳ نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای (two round system)

ویژگی اصلی نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای، همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، عبارت است از این‌که انتخابات نه در یک مرحله بلکه در دو مرحله، که اغلب به فاصله یک یا دو هفته از یکدیگر برگزار می‌شوند، صورت می‌گیرد (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۹؛ رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۶). در مرحله نخست معمولاً از نظام اکثریتی ساده استفاده می‌شود، با این حال، این امکان وجود دارد که در حوزه‌های انتخابیه چندنماینده‌ای در مرحله نخست از نظام رأی دسته‌جمعی یا نظام رأی دسته‌جمعی حزبی نیز استفاده شود. چنانچه در مرحله نخست کاندیدا یا حزبی بتواند به اندازه حد نصاب تعیین‌شده (که معمولاً اکثریت مطلق آرای معتبری است که به صندوق ریخته شده) رأی کسب کند در همان مرحله نخست انتخاب می‌شود. با این حال، در صورتی که در مرحله نخست هیچ‌یک از کاندیداها و یا احزاب موفق به کسب رأی به اندازه حد نصاب تعیین‌شده نشوند، آن‌گاه مرحله دوم رأی‌گیری برگزار می‌شود و

پیروز این مرحله کاندیدا یا حزب منتخب معرفی می‌شود (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۹). نحوه برگزاری مرحله دوم از کشوری به کشور دیگر متفاوت است (Amy, 2000: 75). رایج‌ترین شیوه راهیابی دو کاندیدای برتر مرحله نخست به مرحله دوم است. با این حال در برخی از کشورها همه کاندیداهایی که حد نصاب مشخصی از آرا را کسب کرده باشند به مرحله دوم راه می‌یابند. در مرحله دوم معمولاً از نظام اکثریتی ساده استفاده می‌شود، به این معنا که در این مرحله هر کاندیدا یا حزبی که نسبت به سایر کاندیداها یا احزاب رأی بیشتری کسب کند پیروز انتخابات است (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۷).

در حال حاضر ۱۹ کشور جهان (یعنی ۹/۵ درصد کل کشورها) برای انتخاب اعضای مجالس ملی خود از نظام انتخاباتی دومرحله‌ای استفاده می‌کنند. نظام انتخاباتی دومرحله‌ای همچنین رایج‌ترین نظام انتخاباتی برای انتخاب مستقیم رؤسای جمهور در سراسر جهان است (همان).

۲,۳ نظام‌های انتخاباتی تناسبی

اصل بنیادین همه نظام‌های انتخاباتی تناسبی این است که سهم هر حزب از قدرت سیاسی بایستی متناسب با سهم آن حزب از آرا باشد. در واقع نظام‌های انتخاباتی تناسبی تلاش می‌کنند مشکل بی‌تناسبی را که در نتیجه به‌کارگیری نظام‌های اکثریتی ممکن است ایجاد شود، برطرف کنند (Farell, 2011: 64; Evans, 2004: 99).

نظام‌های انتخاباتی تناسبی به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. نظام تناسبی لیستی و ۲. نظام تک‌رأی قابل انتقال.

۱,۲,۳ نظام تناسبی لیستی (list proportional system)

نظام انتخاباتی تناسبی لیستی در حوزه‌های انتخابیه چندنماینده‌ای کاربرد دارد (ibid). در این نوع نظام انتخاباتی هر حزبی که مایل باشد در انتخابات مشارکت کند می‌تواند لیستی متشکل از کاندیداهای خود برای هر حوزه انتخابیه چندنماینده‌ای ارائه دهد. سپس رأی‌دهندگان از میان لیست‌های ارائه‌شده احزاب سیاسی دست به‌گزینش می‌زنند و بهترین لیست را انتخاب می‌کنند. پس از شمارش آرا و مشخص شدن سهم هر حزب از آرا، کرسی‌های پارلمان به تناسب آرای که هر یک از احزاب کسب کرده‌اند بین آن‌ها توزیع می‌شود (Colomer, 2004: 487).

نظام‌های تناسبی لیستی امروزه در ۷۴ کشور دنیا در انتخابات پارلمان به کار گرفته می‌شوند، که این تعداد تقریباً حدود ۳۷ درصد کل کشورهای جهان را شامل می‌شود. در واقع نظام‌های تناسبی لیستی پرکاربردترین نظام انتخاباتی در سطح جهان‌اند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷).

۲,۲,۳ نظام تک‌رأی قابل انتقال (single transferable vote system)

این نظام انتخاباتی در حوزه‌های انتخابیه‌ای که وسعت آن‌ها بیش از یک است کاربرد دارد (لاندل، ۱۳۸۹: ۵۴). در این نظام هم مانند نظام انتخاباتی رأی بدیل، رأی‌دهندگان کاندیداهای معرفی‌شده احزاب سیاسی را به ترتیب اولویت مورد نظر خود بر روی برگه‌های رأی‌دهی رتبه‌بندی می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸). پس از آن‌که تعداد کل رأی‌های یک حوزه شمارش شد بر اساس آن شاخص یا حد نصاب رأیی که برای پیروزی هر کاندیدا لازم است مشخص می‌شود. این شاخص معمولاً از طریق تقسیم کل آرای یک حوزه بر تعداد کرسی‌های اختصاص‌یافته به آن حوزه مشخص می‌شود که به این شاخص «شاخص دروپ» می‌گویند (البته شاخص‌های دیگری هم به غیر از شاخص دروپ وجود دارد). هر کاندیدایی که برابر یا بالاتر از این شاخص در اولویت اول رأی‌دهندگان قرار گرفته باشد انتخاب خواهد شد. در شمارش‌های دوم و بعدی آرای مازاد کاندیداهای انتخاب‌شده، طبق اولویت‌های دوم برگه‌های رأی، بین کاندیداهای باقی‌مانده توزیع می‌شود، اما چنانچه کاندیدای پیروز آرای مازادی فراتر از شاخص تعیین‌شده نداشته باشد، کاندیدایی که کمترین میزان آرا را در مجموع آرا کسب کرده است حذف می‌شود و سپس آرای او در شمارش‌های بعدی به نفع کاندیداهای باقی‌مانده بر طبق اولویت‌های دوم و بعدی باز توزیع می‌شود. این فرایند آن‌قدر ادامه می‌یابد تا یا همه کرسی‌های آن حوزه انتخابیه را کاندیداهایی که به اندازه شاخص تعیین‌شده رأی کسب کرده‌اند پر کنند و یا تعداد کاندیداهایی که در شمارش باقی مانده‌اند فقط یکی بیشتر از تعداد کرسی‌هایی باشد که باید پر شوند که در این حالت همه کاندیداهای باقی‌مانده به غیر از یکی از آن‌ها بدون رسیدن به شاخص انتخاب می‌شوند (Farrell, 2011: 120-199).

نظام انتخاباتی تک‌رأی قابل انتقال تنها در ۲ کشور (یعنی ۱ درصد) کشورهای جهان برای انتخاب نمایندگان مجالس قانون‌گذاری به کار گرفته می‌شود (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۰).

۳,۳ نظام‌های انتخاباتی مختلط یا تلفیقی

نظام‌های انتخاباتی مختلط می‌کوشند ویژگی‌های مثبت نظام‌های اکثریتی و تناسبی را با هم ترکیب کنند (Farell, 2011: 93). در واقع در همه انواع نظام‌های انتخاباتی مختلط دو نظام انتخاباتی (اکثریتی و تناسبی) که هر کدام از فرمول متفاوتی برای تبدیل آرا به کرسی‌ها استفاده می‌کنند در کنار هم قرار می‌گیرند (ibid).

نظام‌های مختلط یا تلفیقی هم دو شکل گوناگون دارند: ۱. نظام انتخاباتی موازی و ۲. نظام انتخاباتی تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط (Evans, 2004: 101-102).

۱,۳,۳ نظام انتخاباتی موازی (parallel system)

یکی از انواع نظام‌های انتخاباتی مختلط نظام موازی است. در نظام موازی تکلیف کرسی‌های پارلمان از طریق دو فرمول مختلف (اکثریتی و تناسبی) مشخص می‌شود (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۰). همان‌طور که از نام این نظام برمی‌آید، در نظام موازی این دو فرمول مستقل از هم و به موازات هم عمل می‌کنند، یعنی تکلیف بخش معینی از کرسی‌های پارلمان از طریق یکی از انواع نظام‌های اکثریتی (معمولاً اکثریتی ساده) مشخص می‌شود و تکلیف بخش دیگری از کرسی‌های پارلمان از طریق یکی از انواع نظام‌های تناسبی (معمولاً تناسبی لیستی). این دو فرمول تأثیری در نتایج یکدیگر نمی‌گذارند، بنابراین نتیجه یکی از این فرمول‌ها در توزیع کرسی‌های فرمول دیگر اثری ندارد (Farell, 2011: 94-95).

در نظام موازی ممکن است رأی‌دهنده صرفاً یک برگه رأی‌دهی دریافت کند و از آن همزمان هم برای رأی‌دهی به یک کاندیدا (در بخش اکثریتی) و هم برای رأی‌دهی به یک حزب (در بخش تناسبی) استفاده کند. با این حال، در اکثر مواقع دو برگه رأی به رأی‌دهندگان داده می‌شود، یکی برای کرسی‌هایی که بر اساس نظام اکثریتی پر می‌شوند و یکی هم برای کرسی‌هایی که از طریق نظام تناسبی پر می‌شوند (ibid). نسبت کرسی‌های اکثریتی و تناسبی در کشورهای گوناگونی که از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند، متفاوت است (لاندر، ۱۳۸۹: ۱۱۱؛ گئورگیفا و سیمون، ۱۳۹۲: ۱۸).

در حال حاضر ۲۴ کشور (یعنی حدود ۱۲ درصد کشورهای جهان) از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

۲,۳,۳ نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط (mixed member proportional)

نوع دیگر نظام‌های انتخاباتی مختلط، نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط است. این نظام

هم مانند نظام موازی از دو جزء اکثریتی و تناسبی تشکیل شده است، یعنی در واقع ترکیبی از یکی از گونه‌های نظام‌های اکثریتی و یکی از گونه‌های نظام‌های تناسبی است (لاندر، ۱۳۸۹: ۱۱۸). با این حال، در این نظام، بر خلاف نظام انتخاباتی موازی، این دو جزء مستقلاً و به موازات هم عمل نمی‌کنند، بلکه در این نظام بخش تناسبی نظام تلاش می‌کند تا میزان غیر تناسبی بودن نتایج بخش اکثریتی نظام را تعدیل کند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹). مثلاً چنانچه حزبی ۱۰ درصد آرا را در سطح ملی کسب کند، اما در بخش اکثریتی موفق به کسب کرسی نشود بر اساس بخش تناسبی نظام، به تناسب آرای که به دست آورده است کرسی دریافت می‌کند.

بنابراین در نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط نتایج بخش اکثریتی نظام بر نحوه اعطای کرسی‌ها در بخش تناسبی نظام اثر می‌گذارد و در واقع هدف بخش تناسبی جبران و اصلاح بی‌تناسبی حاصل از بخش اکثریتی است، به همین دلیل این نظام را «نظام انتخاباتی جبرانی» هم می‌نامند (Amy, 2000: 86).

امروزه در جهان ۷ کشور (یعنی ۳/۵ درصد کل کشورها) از این نوع نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند (گنورگیفا و سیمون، ۱۳۹۲: ۱۸).

۴,۳ سایر نظام‌های انتخاباتی

علاوه بر نظام‌های انتخاباتی پیش‌گفته تعداد دیگری نظام انتخاباتی هم وجود دارد که به طور کامل در هیچ‌یک از سه نوع نظام انتخاباتی فوق‌تر قرار نمی‌گیرند. در واقع، این نظام‌ها ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که باعث می‌شود نتوان آن‌ها را در زمره نظام‌های اکثریتی، تناسبی و مختلط جای داد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۵). از جمله مهم‌ترین این نظام‌های انتخاباتی می‌توان به نظام انتخاباتی تک‌رای غیر قابل انتقال، نظام انتخاباتی رأی محدود و نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا اشاره کرد. در ادامه در مورد هر یک از این نظام‌ها توضیح مختصری داده خواهد شد.

۱,۴,۳ نظام انتخاباتی تک‌رای غیر قابل انتقال (single non-transferable vote)

این نظام انتخاباتی نظامی کاندیدامحور است و در آن هر رأی‌دهنده یک حق رأی دارد. بنابراین هر رأی‌دهنده فقط می‌تواند به یک کاندیدا رأی دهد (همان: ۱۰۶). با این حال در این نظام انتخاباتی وسعت حوزه‌های انتخابیه بیش از یک است، یعنی از هر حوزه انتخابیه

بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود (لاندل، ۱۳۸۹: ۱۲۳). نحوه انتخاب نمایندگان هم بر اساس فرمول اکثریتی ساده صورت می‌گیرد (Colomer, 2004: 497). امروزه این نظام انتخاباتی فقط در ۳ کشور استفاده می‌شود که اکثراً جزء کشورهای کوچک و کم‌اهمیت‌اند. ژاپن هم از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۹ برای انتخاب اعضای مجلس شورای ملی خود از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کرد. در مجموع کشورهایی که از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند تنها ۱/۵ درصد کل کشورهای جهان را تشکیل می‌دهند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

۲,۴,۳ نظام انتخاباتی رأی محدود (limited vote)

وسعت حوزه انتخابیه در نظام انتخاباتی رأی محدود هم بیش از یک است. یعنی در این نظام هم حوزه‌های انتخابیه چندنماینده‌ای هستند (همان: ۱۰۸؛ لاندل، ۱۳۸۹: ۱۳۰). با این حال، در نظام انتخاباتی رأی محدود، برخلاف نظام قبلی، رأی‌دهندگان بیش از یک حق رأی، اما کمتر از تعداد کاندیداهایی که باید انتخاب شوند، دارند. نحوه انتخاب نمایندگان در این نظام تفاوتی با نحوه انتخاب نمایندگان در نظام تک‌رأی غیر قابل انتقال ندارد و انتخاب نمایندگان بر اساس فرمول اکثریتی ساده صورت می‌گیرد (همان). این سیستم در بسیاری از انتخابات‌هایی که در سطح محلی برگزار می‌شوند به کار می‌رود، اما کاربرد آن در سطح ملی به منطقه خودمختار جبل الطارق محدود بوده است. به طور کلی فقط ۰/۵ درصد کل کشورهای جهان از این سیستم انتخاباتی استفاده می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

۳,۴,۳ نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا (Borda count system)

آخرین و منحصربه‌فردترین نظام انتخاباتی نظام مبتنی بر شمارش بورداست. این نظام یک نظام اولویت‌دهی یا یک نظام ترجیحی محسوب می‌شود. به این معنا که در این نظام رأی‌دهندگان مانند نظام رأی بدیل اسامی کاندیداها را به ترتیب اولویت مورد نظر خود مرتب می‌کنند (Amy, 2000: 96). این نظام را می‌توان هم در مناطقی که وسعت حوزه‌های انتخابیه در آن‌ها یک است و هم در مناطقی که وسعت حوزه‌های انتخابیه در آن‌ها بیش از یک است به کار برد (Farell, 2011: 66).

تنها کشوری که از این نظام، البته به شکل اصلاح‌شده آن، استفاده می‌کند کشور کوچک نائورو در اقیانوس آرام است (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

۴. نظام انتخاباتی در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)

در این فاصله زمانی یعنی از ۱۲۸۵ تا ۱۳۷۵ به طور کلی سه قانون انتخابات به تصویب رسید:

۱. قانون انتخابات اول، مصوب ۱۲۸۵؛

۲. قانون انتخابات دوم، مصوب ۱۲۸۸؛

۳. قانون انتخابات سوم، مصوب ۱۲۹۰ (Alem, 2011: 6).

همان‌گونه که اشاره شد، نظام‌های انتخاباتی به‌منزله نهادهایی که آرای به صندوق ریخته‌شده در یک انتخابات عمومی را به کرسی‌های پارلمان تبدیل می‌کنند، چهار رکن یا جزء اساسی دارند. این چهار جزء عبارت‌اند از: ۱. ساختار برگه‌های رأی‌دهی، ۲. فرمول انتخاباتی مورد استفاده، ۳. وسعت حوزه‌های انتخابیه، ۴. حد نصاب تعیین‌شده برای پیروزی در انتخابات.

در مقطع زمانی مورد بحث در این بخش، یعنی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، در همه انتخابات‌های برگزارشده از برگه‌های رأی‌دهی کاندیدامحور استفاده شده است. به عبارت دیگر، بر اساس سه قانون انتخابات تصویب‌شده در این دوره رأی‌دهندگان موظف بودند در زمان انتخابات به جای رأی‌دهی به احزاب سیاسی در برگه‌های رأی‌دهی خود (به تعداد مورد نیاز) نام کاندیداها را بنویسند (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۰۵). بنابراین، به طور کلی به لحاظ ساختار برگه‌های رأی‌دهی، نظام‌های انتخاباتی مورد استفاده در این دوره همگی کاندیدامحور بوده‌اند.

دومین جزء و شاید مهم‌ترین جزء هر نظام انتخاباتی فرمول انتخاباتی مورد استفاده در آن نظام است. فرمول انتخاباتی عبارت است از فرمولی که بر اساس آن با توجه به آرای به صندوق ریخته‌شده در انتخابات، پیروز انتخابات مشخص می‌شود. فرمول‌های انتخاباتی مورد استفاده سه شکل عمده دارند. این سه شکل عبارت‌اند از: فرمول اکثریتی، فرمول تناسبی و فرمول مختلط. در فرمول نخست، احزاب یا کاندیداها برای پیروزی در انتخابات باید اکثریت (مطلق یا نسبی) آرا را کسب کنند. به عبارت دیگر، پیروز انتخابات کاندیدایی است که اکثریت (نسبی یا مطلق) آرای رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه خود را کسب کرده باشد. در فرمول دوم، کرسی‌های پارلمان به تناسب آرای که هر حزب به دست آورده است بین احزاب سیاسی توزیع می‌شود. در فرمول سوم، یعنی فرمول مختلط، ترکیبی از

فرمول‌های اول و دوم استفاده می‌شوند. در این فرمول، تکلیف بخشی از کرسی‌های پارلمان بر اساس فرمول اکثریتی، و تکلیف بخش دیگری از کرسی‌ها بر اساس فرمول تناسبی مشخص می‌شود (همان؛ کواکبیان، ۱۳۸۳: ۱۷).

به طور کلی، در همه انتخابات‌های برگزار شده در سال‌های بین مشروطه تا انقلاب اسلامی فرمول انتخاباتی مورد استفاده فرمول نوع اول یعنی فرمول اکثریتی بوده است.

در قانون انتخابات نخست، مصوب سال ۱۲۸۵، فرمول انتخاباتی تعیین شده، فرمولی اکثریتی بود. البته در این قانون انتخاب نمایندگان از طریق اکثریت مطلق یا نسبی بسیار مبهم بیان شده بود. در ماده ۲۶ این قانون در مورد فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان مجلس شورای ملی چنین آمده بود: «انتخاب [نمایندگان مجلس] باید با اکثریت آرای تامه یا نسبی باشد و در صورت تساوی آرا باید به قید قرعه فردی انتخاب شود». با این حال، به نظر می‌رسد در تهران که در آن انتخابات یک‌مرحله‌ای و مستقیم بود از فرمول اکثریت نسبی استفاده می‌شده و در سایر ایالات که در آن‌ها انتخابات دو مرحله‌ای و غیرمستقیم بوده است در مرحله نخست از فرمول اکثریت نسبی و در مرحله دوم از فرمول اکثریت تام یا مطلق استفاده می‌شده است.

در قانون انتخابات دوم در مواد ۱۷ و ۱۸ به طور صریح به کاربرد فرمول انتخاباتی اکثریتی اشاره شده است. ماده ۱۷ این قانون چنین بیان می‌داشت: «انتخابات درجه اول به اکثریت نسبی و انتخابات درجه ثانی به اکثریت تام خواهد بود». ماده ۱۸ نیز به قرار زیر بود: «در انتخابات درجه اول اشخاصی که نسبت به عده همه انتخاب‌کنندگان حوزه انتخابیه اکثریت تام حاصل‌کننده مستغنی از انتخاب درجه ثانی بوده و به سمت عضویت مجلس شورای ملی قبول می‌شوند». بنابراین در مرحله نخست از فرمول اکثریت نسبی استفاده می‌شد و کسانی که در این مرحله اکثریت نسبی آرا را کسب می‌کردند (به اندازه سه برابر تعداد نمایندگان هر حوزه) به مرحله دوم راه می‌یافتند. البته چنانچه کاندیدایی در همین مرحله از انتخابات ۵۰ درصد به علاوه یک آرای رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه را از آن خود می‌کرد به طور مستقیم به مجلس راه پیدا می‌کرد. در مرحله دوم نیز از فرمول اکثریتی تام استفاده می‌شد. در این مرحله هر کاندیدایی که اکثریت مطلق آرا را کسب می‌کرد به پارلمان راه می‌یافت و چنانچه هیچ کاندیدایی اکثریت مطلق آرا را کسب نمی‌کرد انتخابات به دور سوم کشیده می‌شد و در این مرحله کاندیداهایی که اکثریت نسبی آرا را به دست می‌آوردند به مجلس راه می‌یافتند.

در سومین قانون انتخابات، یعنی قانون انتخابات مصوب ۱۲۹۰، انتخابات تک‌مرحله‌ای شد. در این قانون بر اساس اصل ۱۵ مقرر شده بود که: «انتخاب نمایندگان به اکثریت نسبی است». بنابراین در این قانون نیز همچون دو قانون انتخابات قبلی فرمول گزینش و انتخاب نمایندگان، فرمول اکثریتی تعیین شده بود. بر این اساس در هر حوزه انتخابیه آن کاندیداهایی که نسبت به سایرین آرای بیشتری کسب می‌کردند کرسی‌های اختصاص‌یافته به آن حوزه را از آن خود می‌کردند. البته ماده ۱۶ این قانون بیان می‌داشت که: «در صورت تساوی آرا بین دو یا چند کاندیدا در یک حوزه انتخابیه هر عده که محل حاجت باشد به حکم قرعه معین می‌شود» (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۱۰-۲۱۵؛ کواکیان، ۱۳۸۳: ۱۷-۲۵).

بنابراین در همه قوانین انتخابات به تصویب رسیده در دوره پیش از انقلاب اسلامی، فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان مجلس شورای ملی، فرمول اکثریتی بوده است.

در مورد سومین رکن نظام‌های انتخاباتی باید گفت همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، منظور از وسعت حوزه‌های انتخابیه تعداد نمایندگان هر حوزه انتخابیه و یا در واقع تعداد کرسی‌های اختصاص‌یافته به هر حوزه انتخابیه است. مثلاً چنانچه یک حوزه انتخابیه یک نماینده در پارلمان داشته باشد، وسعت آن حوزه یک است و چنانچه تعداد نمایندگان یک حوزه انتخابیه سه نماینده باشد، وسعت آن حوزه انتخابیه سه خواهد بود.

در مقطع زمانی مورد بحث در این بخش، یعنی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، وسعت حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور گوناگون بوده است. مثلاً در نخستین قانون انتخابات تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه تهران ۶۰ نفر تعیین شده بود، در حالی که در همین زمان وسعت برخی حوزه‌های انتخابیه، نظیر حوزه انتخابیه بلوچستان، یک بود، یعنی فقط یک نماینده به آن‌ها اختصاص یافته بود. در دو قانون انتخابات بعدی نیز وضعیت به همین صورت بود. بنابراین در هر سه قانون انتخابات مصوب قبل از انقلاب اسلامی ما شاهد تنوع در وسعت حوزه‌های انتخابیه (یعنی تنوع در تعداد کرسی‌ها و تعداد نمایندگان اختصاص‌یافته به هر یک از حوزه‌های انتخابیه) هستیم.

چهارمین رکن هر نظام انتخاباتی حد نصاب انتخاباتی است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد حد نصاب انتخاباتی عبارت است از حداقل آرای که یک حزب یا کاندیدا برای پیروزی حتماً باید آن را کسب کند.

در قانون انتخابات اول در حوزه‌هایی که انتخابات در آن‌ها یک مرحله‌ای بود (حوزه انتخابیه تهران) حد نصاب انتخاباتی وجود نداشت. به این معنا که کاندیداها فقط با کسب آرای بیشتر نسبت به رقبای خود مستقیماً به مجلس راه می‌یافتند، اما در مناطقی که انتخابات در آن‌ها دو مرحله‌ای بود (حوزه انتخابیه شهرهای دیگر به غیر از تهران) حد نصاب انتخاباتی در مرحله اول نصف به علاوه یک آرا بود. یعنی کاندیداها برای راهیابی مستقیم به پارلمان بایستی نصف به علاوه یک آرای حوزه انتخابیه خود را به دست می‌آوردند. در غیر این صورت، کاندیداهایی که بیشتر از سایرین رأی آورده بودند به دور دوم راه می‌یافتند و در این مرحله کاندیداهایی که اکثریت نسبی آرا را کسب می‌کردند پیروز انتخابات بودند. بنابراین در مرحله دوم حد نصاب انتخاباتی حذف می‌شد.

در قانون انتخابات دوم، بر اساس ماده ۱۸ حد نصاب انتخاباتی نصف به علاوه یک آرا بود. یعنی کاندیداهایی که در این مرحله نصف به علاوه یک آرای حوزه انتخابیه خود را کسب می‌کردند مستقیماً به مجلس راه می‌یافتند، اما چنانچه هیچ کاندیدایی موفق به کسب نصف به علاوه یک آرا در مرحله اول نمی‌شد، یا تعداد کاندیداهایی که موفق به کسب نصف به علاوه یک آرا شده بودند کمتر از تعداد مورد نیاز بود، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شد و کاندیداهایی که در مرحله اول بیش از سایرین رأی به دست آورده بودند (به اندازه سه برابر تعداد مورد نیاز) به مرحله دوم راه می‌یافتند. مرحله دوم نیز حد نصاب انتخاباتی نصف به علاوه یک آرا بود. یعنی در این مرحله نیز فقط کاندیداهایی مستقیماً به مجلس راه می‌یافتند که اکثریت مطلق آرا را کسب می‌کردند. در صورتی که در این مرحله نیز هیچ کاندیدایی موفق به کسب نصف به علاوه یک آرا نمی‌شد، یا تعداد کاندیداهایی که موفق به کسب نصف به علاوه یک آرا شده بودند کمتر از تعداد مورد نیاز بود، انتخابات به دور سوم کشیده می‌شد. در دور سوم حد نصاب انتخاباتی حذف می‌شد و کاندیداهایی که صرفاً بیش از رقبای خود رأی کسب می‌کردند پیروز انتخابات معرفی می‌شدند.

در سومین قانون انتخابات مصوب ۱۲۹۰، حد نصاب انتخاباتی کلاً حذف شد. به این معنا که در هر حوزه انتخابیه کاندیداهایی که بیش از رقبای خود رأی کسب می‌کردند مستقیماً به مجلس شورای ملی راه می‌یافتند و چنانچه آرای دو یا چند کاندیدا در یک حوزه انتخابیه با هم برابر می‌شد، تکلیف نمایندگان آن حوزه از طریق قرعه‌کشی بین کاندیداهایی که آرای شان برابر شده بود، مشخص می‌شد (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۰۶-۲۰۷).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که به طور کلی در فاصله بین انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی نظام‌های انتخاباتی مورد استفاده برای برگزاری انتخابات پارلمانی به شکل زیر بودند:

در قانون انتخابات اول مصوب ۱۲۸۵ نظام انتخاباتی مورد استفاده در تهران نظام انتخاباتی رأی دسته‌جمعی (ساختار برگه‌های رأی‌دهی: کاندیدامحور؛ فرمول انتخاباتی: اکثریتی؛ وسعت حوزه انتخابیه: بیش از یک؛ حد نصاب انتخاباتی: وجود نداشت)، و نظام انتخاباتی سایر ایالات کشور نظام انتخاباتی دومرحله‌ای (ساختار برگه‌های رأی‌دهی: کاندیدامحور؛ فرمول انتخاباتی: اکثریتی؛ وسعت حوزه انتخابیه: متنوع؛ حد نصاب انتخاباتی: در مرحله اول نصف به علاوه یک آرا و در مرحله دوم وجود نداشت) بود.

در قانون انتخابات دوم، مصوب ۱۲۸۸، نظام انتخاباتی کل کشور نظامی دومرحله‌ای (ساختار برگه‌های رأی‌دهی: کاندیدامحور؛ فرمول انتخاباتی: اکثریتی؛ وسعت حوزه انتخابیه: متنوع؛ حد نصاب انتخاباتی: در مرحله اول و دوم نصف به علاوه یک آرا) بود.

در سومین قانون انتخابات، مصوب ۱۲۹۰، نظام انتخاباتی مورد استفاده در آن دسته از حوزه‌های انتخابیه که وسعت آن‌ها بیش از یک بود، نظام انتخاباتی رأی دسته‌جمعی (ساختار برگه‌های رأی‌دهی: کاندیدامحور؛ فرمول انتخاباتی: اکثریتی؛ وسعت حوزه انتخابیه: بیش از یک؛ حد نصاب انتخاباتی: وجود نداشت) و در حوزه‌هایی که وسعت حوزه‌های انتخابیه در آن‌ها یک بود، نظام انتخاباتی مورد استفاده نظام اکثریتی ساده (ساختار برگه‌های رأی‌دهی: کاندیدامحور؛ فرمول انتخاباتی: اکثریتی؛ وسعت حوزه‌های انتخابیه: یک؛ حد نصاب انتخاباتی: وجود نداشت) بود.

۵. نظام انتخاباتی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در این بخش تلاش خواهد شد بر اساس مطالب پیش‌گفته نوع نظام انتخاباتی به کار گرفته شده در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب مشخص شود.

سابقه برگزاری نخستین انتخابات مجلس در ایران به سال‌های پس از انقلاب مشروطه بازمی‌گردد. البته بایستی اشاره شود که از آن زمان تا پیش از انقلاب اسلامی، به جز چندین دوره محدود، انتخابات آزاد و رقابتی وجود نداشت. این امر به ویژه در مورد دوره پهلوی صادق بود. در این دوره هر چند انتخابات برگزار می‌شد، اما این انتخابات به هیچ‌وجه آزاد و رقابتی نبود. به طور کلی، در این دوره به جز چند مجلس شکل گرفته

در اوایل مشروطه و نیز مجالسی که در اوایل دوران سلطنت پهلوی دوم یعنی از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۳۲ شکل گرفتند، سایر مجالس کاملاً مطیع نهاد سلطنت بودند و هر چند در این دوره انتخابات برگزار می‌شد، اما این امر بیشتر جنبه صوری و غیر آزاد داشت و حتی در مقاطعی تنها افرادی به عنوان نماینده معرفی می‌شدند که شاه از پیش آن‌ها را معرفی کرده بود (کواکبیان، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۷).

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تحول سیاسی عظیمی در ایران ایجاد شد. در نتیجه این انقلاب نظام دیرپای پادشاهی سرنگون شد و برای نخستین بار در تاریخ ایران و شاید تاریخ دنیای مدرن نظامی سیاسی که درصدد تلفیق آموزه‌های دینی و اصول دموکراسی بود، بر سر کار آمد. این نظام سیاسی جدید «جمهوری اسلامی» نامیده شد. در واقع این انقلاب تلاش داشت پیوندی بین مردم‌سالاری (دموکراسی) و دین‌سالاری (تئوکراسی) برقرار کند، به همین دلیل نتیجه و برآیند آن نظام سیاسی بی‌بدیل بود. نظام سیاسی جدید بر پایه آموزه‌های دینی بنیان نهاده شده بود، اما بنیان‌گذاران این نظام از همان ابتدا اعلام کردند که در نظام سیاسی جدید انتخاب مسئولان عالی از طریق انتخابات خواهد بود. به همین دلیل، در همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب چندین انتخابات و همه‌پرسی (رفراندوم) برگزار شد، که از آن جمله می‌توان به همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ برای تعیین نوع نظام سیاسی، انتخابات دوازدهم مرداد ۱۳۵۸ برای انتخاب اعضای مجلس قانون اساسی و همه‌پرسی یازدهم و دوازدهم آذر ۱۳۵۸ برای تصویب قانون اساسی اشاره کرد. طبیعی بود که با تأکیدی که نظام سیاسی جدید بر ویژگی مردمی بودن خود داشت، مجلس شورا در این نظام جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. به همین دلیل بلافاصله پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی و نیز تصویب قانون اساسی که بخش قابل توجهی از مفاد آن به مجلس شورا اختصاص یافته بود، تلاش‌ها برای تدوین قانون انتخابات مجلس، برگزاری انتخابات، و تشکیل مجلس شورا آغاز شد (همان: ۴۰؛ سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۶۳-۲۶۵).

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی سه قانون انتخابات به تصویب رسید. در نخستین قانون انتخابات که در سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب به تصویب رسانید، برگه‌های رأی‌دهی ساختاری کاندیدامحور داشتند (همان: ۲۷۰). به عبارت دیگر، بر اساس این قانون، رأی‌دهندگان موظف بودند در برگه‌های رأی‌دهی‌ای که در اختیارشان قرار می‌گرفت صرفاً نام یک یا چند کاندیدا را بنویسند.

همچنین بر اساس این قانون، وسعت حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور متفاوت بود. به عبارت دیگر، از برخی حوزه‌های انتخابیه فقط یک نماینده به مجلس شورای اسلامی راه می‌یافت و بنابراین وسعت این حوزه‌ها یک بود. در حالی که از سایر حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده به مجلس راه می‌یافتند و از این رو وسعت این دسته از حوزه‌های انتخابیه بیش از یک بود. در عین حال، در بین حوزه‌های انتخابیه نوع دوم نیز به لحاظ وسعت، تنوع و تفاوت وجود داشت (همان: ۲۷۶؛ ۴۳: 2011: Alem). بنابراین در مجموع وسعت حوزه‌های انتخابیه یکسان نبوده است و ما شاهد تنوع در وسعت حوزه‌های انتخابیه (یعنی تنوع در تعداد نمایندگان یا کرسی‌های اختصاص یافته به هر حوزه انتخابیه) هستیم.

از طرف دیگر، در نخستین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان فرمولی اکثریتی است. بر اساس ماده ۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب شورای انقلاب «انتخابات مجلس مستقیم و عمومی است و انتخابات نمایندگان با رأی مخفی و اکثریت مطلق خواهد بود». همچنین مطابق ماده ۷ این قانون، «انتخاب نمایندگان در مرحله اول با اکثریت مطلق آرا و در مرحله دوم با اکثریت نسبی خواهد بود» (کواکبیان، ۱۳۸۳: ۳۸). این امر بدان معنا بود که کاندیداهایی که در دور اول نصف به علاوه یک کل آرای حوزه انتخابیه خود را به دست می‌آوردند مستقیماً به مجلس راه می‌یافتند، اما چنانچه در دور اول کاندیدایی اکثریت مطلق آرا را کسب نمی‌کرد یا تعداد کاندیداهایی که اکثریت مطلق آرا را کسب کرده بودند کمتر از تعداد مورد نیاز بود، مرحله دوم برگزار می‌شد و در این مرحله کاندیداهایی که بیش از سایر کاندیداها رأی کسب می‌کردند به مجلس راه می‌یافتند. بنابراین در هر دو مرحله فرمول اکثریتی بود، یعنی کاندیداهایی به مجلس راه می‌یافتند که اکثریت آرا (در مرحله اول اکثریت مطلق آرا و در مرحله دوم اکثریت نسبی آرا) را از آن خود می‌کردند.

در نخستین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، حد نصاب مشخصی برای انتخاب نمایندگان تعیین شده بود. به عبارت دیگر، کاندیداها برای ورود به مجلس ضرورتاً بایستی میزان مشخصی رأی به دست می‌آوردند. حد نصاب تعیین شده برای مرحله اول انتخابات، نصف به علاوه یک کل آرای مأخوذه در هر حوزه انتخابیه بود. یعنی یک کاندیدا در صورتی در همان مرحله اول به مجلس راه می‌یافت که موفق به کسب نصف به علاوه یک کل آرای رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه خود می‌شد. بر اساس اصل ۷ قانون انتخابات مصوب

۱۳۵۸ «نمایندگان مجلس شورای ملی در مرحله اول با اکثریت مطلق آرا (نصف به علاوه یک کل آرای مأخوذه در هر حوزه انتخابیه) انتخاب می‌شوند» (Alem, 2011: 50). البته حد نصاب مذکور مختص مرحله نخست انتخابات بود و در مرحله دوم انتخابات این حد نصاب حذف می‌شد. به این معنا که در این مرحله برای پیروزی در انتخابات کاندیداها ملزم به کسب درصد مشخصی از کل آرای حوزه انتخابیه خود نبودند و صرفاً با کسب آرای بیشتر نسبت به رقبای خود به پارلمان راه می‌یافتند. به این مسئله در قسمت دوم ماده ۷ تأکید شده بود.

به طور کلی، با توجه به ویژگی‌های فوق می‌توان گفت که نظام انتخاباتی مطرح شده در نخستین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نظام انتخاباتی دومرحله‌ای است که یکی از انواع نظام‌های اکثریتی محسوب می‌شود (ساختار برگه‌های رأی‌دهی: کاندیدامحور؛ فرمول انتخاباتی: اکثریتی؛ وسعت حوزه‌های انتخابیه: متنوع؛ حد نصاب انتخاباتی: در مرحله اول نصف به علاوه یک آرا و در مرحله دوم وجود نداشت). انتخاب نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی بر اساس این نوع نظام انتخاباتی صورت گرفت.

دومین قانون انتخابات را در سال ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی دوره اول به تصویب رسانید (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۳۶۶). در دومین قانون انتخابات نیز همانند قانون انتخابات قبلی، ساختار برگه‌های رأی‌دهی کاندیدامحور بود. به عبارت دیگر، بر اساس این قانون نیز رأی‌دهندگان موظف به نوشتن نام یک یا چند کاندیدا در برگه‌های رأی‌دهی بودند (همان). همچنین در این قانون مثل قانون انتخابات نخست، وسعت حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور متنوع بود و در حالی که از برخی از حوزه‌های انتخابیه فقط یک نماینده انتخاب می‌شد و بنابراین وسعت این حوزه‌ها یک بود، از سایر حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شد و از این رو وسعت آن‌ها بیش از یک بود (همان: ۳۷۰؛ کواکبیان، ۱۳۸۳: ۴۹).

در قانون انتخابات مصوب ۱۳۶۲، فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان مجلس شورای اسلامی (چه در مرحله اول انتخابات و چه در مرحله دوم) فرمولی اکثریتی بود. بر اساس ماده ۸ قانون انتخابات مصوب ۱۳۶۲، «انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت مطلق آرا و در مرحله دوم با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است». در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۶۲ این ماده به این صورت اصلاح شد «انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک سوم کل آرا و در مرحله دوم با کسب اکثریت نسبی به

هر میزان است» (همان). همان‌گونه که مفاد ماده ۸ (چه پیش از اصلاح و چه پس از اصلاح) نشان می‌دهد، فرمول انتخاباتی مورد استفاده فرمولی اکثریتی است. یعنی در مرحله اول کاندیداهایی که اکثریت آرا (ابتدا اکثریت مطلق آرا و پس از اصلاح قانون اکثریت یک سوم آرا) را کسب می‌کردند به مجلس راه می‌یافتند و در مرحله دوم هم کاندیداهایی که اکثریت نسبی آرا را به دست آوردند به سمت نماینده حوزه انتخابیه خود برگزیده می‌شدند. در قانون انتخابات مصوب ۱۳۶۲ حد نصاب مشخصی برای ورود به پارلمان در نظر گرفته شده بود (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۳۷۹؛ ۱۰: Alem, 2011). این حد نصاب همان‌طور که اشاره شد، در ابتدا همانند قانون انتخابات اول، کسب نصف به علاوه یک آرا بود، یعنی کاندیداها برای ورود مستقیم به مجلس در مرحله اول به کسب حداقل نصف به علاوه یک کل آرای مأخوذه در حوزه انتخابیه خود نیاز داشتند، اما در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۶۲ این حد نصاب کاهش یافت و به یک سوم کل آرا تغییر کرد. به عبارت دیگر، کاندیداها برای ورود مستقیم به مجلس در مرحله نخست انتخابات نیازمند کسب حداقل یک سوم کل آرای حوزه انتخابیه خود بودند. البته برای مرحله دوم انتخابات حد نصاب مشخصی در نظر گرفته نشده بود، یعنی هر کاندیدایی که بیش از سایرین رأی به دست می‌آورد به سمت نماینده حوزه انتخابیه خود برگزیده می‌شد (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۳۸۰؛ کواکبیان، ۱۳۸۳: ۵۲).

به طور کلی، بر اساس ویژگی‌های فوق می‌توان گفت نظام انتخاباتی برآمده از دومین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید یک نظام انتخاباتی دومرحله‌ای بود (ساختار برگه‌های رأی‌دهی: کاندیدامحور؛ فرمول انتخاباتی: اکثریتی؛ وسعت حوزه‌های انتخابیه: متنوع؛ حد نصاب انتخاباتی: در مرحله اول، ابتدا نصف به علاوه یک آرا و سپس یک سوم کل آرا، و در مرحله دوم وجود نداشت). نظام انتخاباتی دومرحله‌ای یکی از انواع نظام‌های انتخاباتی اکثریتی محسوب می‌شود. انتخابات مجالس دوم، سوم، چهارم و پنجم بر اساس این نظام انتخاباتی برگزار شد و هر چند هر یک از این مجالس اصلاحاتی در قانون انتخابات مصوب مجلس اول صورت دادند، با این حال به‌رغم این تغییرات ارکان چهارگانه نظام انتخاباتی (ساختار برگه‌های رأی‌دهی؛ فرمول انتخاباتی؛ وسعت حوزه‌های انتخابیه؛ و حد نصاب انتخاباتی) تغییری نکرد و نظام انتخاباتی دچار تغییر نشد و همچنان یک نظام انتخاباتی دومرحله‌ای باقی ماند.

سومین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ را مجلس پنجم به تصویب رسانید (شورای نگهبان، ۱۳۹۰: ۱؛ ۱۴: Alem, 2011). نظام انتخاباتی برآمده از این

قانون انتخابات نیز تا حدود زیادی شبیه نظام انتخاباتی برآمده از قوانین انتخابات اول (مصوب ۱۳۵۸) و دوم (مصوب ۱۳۶۲) بود.

در قانون انتخابات سوم نیز برگه‌های رأی‌دهی ساختاری کاندیدامحور داشتند. در واقع بر اساس این قانون، رأی‌دهندگان هر حوزه انتخابیه موظف بودند در برگه‌های رأی‌دهی که در زمان انتخابات در اختیارشان قرار می‌گرفت صرفاً به کاندیداها رأی بدهند و نه به احزاب سیاسی (کواکبیان، ۱۳۸۳: ۷۲).

همچنین بر اساس قانون انتخابات سوم، حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور به لحاظ وسعت تنوع و تفاوت داشتند. به این معنا که تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به هر یک از حوزه‌های انتخابیه یکسان نبود و در حالی که به برخی از حوزه‌های انتخابیه صرفاً یک کرسی اختصاص داده شده بود، وسعت سایر حوزه‌ها بیش از یک بود. یعنی تعداد کرسی‌ها و نمایندگان اختصاص یافته به این حوزه‌ها بیشتر از یک بود (شورای نگهبان، ۱۳۹۰: ۵).

در این قانون انتخابات، فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان مجلس همچون فرمول انتخاباتی مورد استفاده در دو قانون انتخابات قبلی، فرمولی اکثریتی بود. بر اساس ماده ۸ قانون انتخابات مصوب ۷ آذر ۱۳۷۸ «انتخابات نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک سوم آرا و در مرحله دوم و همچنین انتخابات میان‌دوره‌ای با اکثریت نسبی به هر میزان است». البته بر اساس تغییری که در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۷۸ در این ماده ایجاد شد، کسب حداقل یک سوم آرا در مرحله اول به کسب حداقل یک چهارم آرا تبدیل شد. بنابراین فرمول انتخاباتی مورد استفاده در هر دو مرحله انتخابات و نیز انتخابات‌های میان‌دوره‌ای فرمولی اکثریتی بود و بر اساس آن در هر حوزه انتخابیه آن دسته از کاندیداها مستقیماً به مجلس راه پیدا می‌کردند که ابتدا اکثریت یک سوم و بعداً اکثریت یک چهارم آرای آن حوزه را از آن خود می‌کردند، اما چنانچه در مرحله نخست کاندیدایی اکثریت تعیین شده را کسب نمی‌کرد یا تعداد کاندیداهایی که موفق به کسب این اکثریت شده بودند کمتر از تعداد مورد نیاز بود، مرحله دوم برگزار می‌شد و در این مرحله کاندیداهایی که بیش از سایر کاندیداها رأی کسب می‌کردند به مجلس راه می‌یافتند. همچنین در انتخابات‌های میان‌دوره‌ای کاندیداهایی که اکثریت نسبی آرا را به دست می‌آوردند پیروز انتخابات بودند (شورای نگهبان، ۱۳۹۰).

در این قانون انتخابات همچنین حد نصاب مشخصی برای انتخاب نمایندگان تعیین شده بود. به این معنا که کاندیداها برای ورود به مجلس ضرورتاً می‌بایست حداقلی از آرای

حوزه انتخابیه را به خود اختصاص می‌دادند. البته این حد نصاب مختص مرحله اول انتخابات بود و در مرحله دوم این حد نصاب حذف می‌شد. حد نصاب انتخاباتی تعیین شده برای مرحله اول انتخابات در ابتدا یک سوم کل آرای مأخوذه در هر حوزه انتخابیه بود (یعنی یک کاندیدا صرفاً در صورتی در همان مرحله اول انتخابات به مجلس راه می‌یافت که حداقل یک سوم کل آرای رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه خود را کسب می‌کرد)، اما در نتیجه اصلاحات صورت گرفته، این حد نصاب به یک چهارم کل آرای حوزه انتخابیه کاهش یافت (یعنی یک کاندیدا برای پیروزی در انتخابات در همان مرحله نخست نیازمند کسب حداقل یک چهارم کل آرای حوزه انتخابیه خود بود). البته همان‌طور که اشاره شد، در مرحله دوم انتخابات همچنین، در انتخابات میان‌دوره‌ای این حد نصاب حذف می‌شد و کاندیداها با کسب اکثریت نسبی آرا، یعنی صرفاً با کسب آرای بیشتر نسبت به رقبای خود، به مجلس شورای اسلامی راه پیدا می‌کردند (همان).

با توجه به ویژگی‌های پیش‌گفته، می‌توان گفت نظام انتخاباتی برآمده از سومین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز، همچون نظام انتخابات برآمده از دو قانون انتخابات قبلی، نظامی دومرحله‌ای است (در این نظام ساختار برگه‌های رأی‌دهی: کاندیدامحور؛ فرمول انتخاباتی: اکثریتی؛ وسعت حوزه‌های انتخابیه: متنوع؛ حد نصاب انتخاباتی: در مرحله اول، ابتدا یک سوم کل آرا و سپس یک چهارم کل آرا، و در مرحله دوم وجود نداشت). همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد این نظام انتخاباتی از انواع نظام‌های اکثریتی محسوب می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

بنابراین، می‌توان گفت در همه انتخابات‌های مجلس شورای اسلامی که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شده از نظام انتخاباتی واحدی استفاده شده است. به عبارت دیگر، نظام انتخاباتی برآمده از سه قانون انتخابات تصویب شده در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام انتخاباتی دومرحله‌ای بوده است. در همه این قوانین انتخابات، سه جزء از چهار جزء نظام انتخاباتی همواره ثابت بوده و تغییری نکرده است، و فقط یک جزء دچار تغییر و تحول شده است. سه جزئی که در همه قوانین انتخابات تصویب شده پس از انقلاب تغییر نکرده‌اند عبارت بوده‌اند از: ساختار برگه‌های رأی‌دهی، وسعت حوزه‌های انتخابیه، و فرمول انتخاباتی مورد استفاده. در واقع در هر سه قانون انتخابات برگه‌های

رای‌دهی دارای ساختاری کاندیدامحور بوده‌اند، یعنی در هر سه قانون رای‌دهندگان ملزم به رای‌دهی کاندیداها بوده‌اند و نه به احزاب سیاسی. همچنین در همه قوانین انتخابات مصوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ما شاهد تنوع در وسعت حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور هستیم. به عبارت دیگر، تعداد نمایندگان و کرسی‌های اختصاص یافته به هر یک از حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور و حتی در سطح یک استان یکسان و مشابه نبوده است و در حالی که وسعت برخی از حوزه‌های انتخابیه یک بوده است، وسعت سایر حوزه‌ها بیش از یک بوده است. البته حوزه‌های انتخابیه نوع دوم نیز به لحاظ وسعت دارای تنوع و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند. سومین جزء از اجزای نظام‌های انتخاباتی که در هر سه قانون انتخابات ثابت شده بوده، فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. چنانچه اشاره شد در هر سه این قوانین انتخابات فرمول انتخاباتی برگزیده شده از میان سه نوع اصلی فرمول‌های انتخاباتی (اکثریتی، تناسبی و مختلط) فرمول اکثریتی بوده است. به این معنا که فقط کاندیداهایی به مجلس راه می‌یافتند که اکثریت مشخصی از آرای حوزه‌های انتخابیه خود را به دست می‌آوردند. تنها جزئی از نظام انتخاباتی که در سه قانون انتخابات مذکور دچار تغییر و تحول شد، حد نصاب انتخاباتی (یعنی حداقل آرای که یک کاندیدا برای ورود به پارلمان ملزم به کسب آن است) بوده است. در قانون انتخابات مصوب ۱۳۵۸ این حد نصاب برای مرحله اول انتخابات نصف به علاوه یک آرا بود، یعنی فقط آن دسته از کاندیداها در همان مرحله اول مستقیماً به مجلس راه می‌یافتند که حداقل نصف به علاوه یک کل آرای حوزه انتخابیه خود را به دست می‌آوردند. در دومین قانون انتخابات پس از انقلاب، مصوب ۱۳۶۲، این حد نصاب تغییر کرد و به یک سوم کل آرا تقلیل یافت. به عبارت دیگر بر اساس قانون انتخابات دوم، صرفاً کاندیداهایی در همان مرحله نخست مستقیماً به مجلس راه می‌یافتند که یک سوم آرای مأخوذه در حوزه انتخابیه خود را کسب می‌کردند. در سومین قانون انتخابات، حد نصاب تعیین شده باز هم کاهش یافت و به یک چهارم کل آرا رسید. بر این اساس، کاندیداهایی که در مرحله اول یک چهارم آرای به صندوق ریخته شده در حوزه انتخابیه خود را از آن خود می‌کردند مستقیماً به مجلس راه می‌یافتند.

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت نظام انتخاباتی به کار گرفته شده برای برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب نظام انتخاباتی دومرحله‌ای بوده است. این نوع نظام انتخاباتی همچنان که اشاره شد، از جمله نظام‌های اکثریتی

محسوب می‌شود. این نظام انتخاباتی پیامدهای خاصی برای حوزه سیاست داشته است. از جمله پیامدهای مهم و پر اهمیت این نظام انتخاباتی می‌توان به تضعیف و یا جلوگیری از شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران اشاره کرد.

منابع

- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۲). اکثریت چگونه حکومت می‌کند؟، تهران: سروش.
- دوورژه، موریس (۱۳۸۹). اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: امیرکبیر.
- رینولدز، آندرو، بن رایلی و دیگران (۱۳۹۱). دانش‌نامه نظام‌های انتخاباتی، ترجمه ابوذرفعی قهساره، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سائلی کرده ده، مجید (۱۳۷۸). سیر تحول قوانین انتخاباتی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شورای نگهبان (۱۳۹۰). مجموعه قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی، تهران: اداره کل امور انتخابات شورای نگهبان.
- فارل، دیوید (۱۳۹۰). نظام‌های انتخاباتی، احزاب و رأی‌دهندگان، ترجمه ابوذرفعی قهساره، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۸۳). گفتمان آزادی و مردم‌سالاری، تهران: پازینه.
- گئورگیف، واسیا و ریئا. ج. سیمون (۱۳۹۲). انتخابات و رأی‌دهی در سرتاسر جهان، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی و ابوذرفعی قهساره، تهران: تیسرا.
- لاندر، کریستر (۱۳۸۹). عوامل موقعیتی‌گزینش نظام انتخاباتی: مطالعه مقایسه‌ای کلان، ترجمه علیرضا عیاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، تهران: نشر گستره.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

Alem, Yasemin (2011). *Duality by Design: the Iranian Electoral System*, Washington DC: International Foundation for Electoral Systems.

Amy, Douglas J. (2000). *Behind the Ballot Box: A Citizen's Guide to Voting Systems*, New York: Prager.

Colomer, Joseph (2004). *Handbook of Electoral System Choice*, London: Palgrave-Macmillan.

Evans, Jocelyn (2004). *Voters and Voting*, London: SAGE Publications Ltd.

Farrel, Davi (2011). *Electoral Systems: A Comparative Introduction*, London: Palgrave Macmillan.

Gallagher, Michael and Paul Mitchell (2008). *The Politics of Electoral systems*, Oxford: Oxford University Press.

- Lijphart, Arend (1986). *Electoral Laws and Their Political Consequences*, New York: Agathon Press.
- Lijphart, Arend (1995). *Electoral Systems and Party Systems: A Study of Twenty-seven Democracies, 1945-1990*, Oxford: Oxford University Press, USA.
- Norris, Pippa (2004). *Electoral Engineering: Voting Rules and Political Behavior*, New York: Cambridge University Press.
- Norris, Pippa (2008). *Driving Democracy: Do Power-sharing Institutions Work?*, New York: Cambridge University Press.
- Rae, Douglas w. (1971). *The Political Consequences of Electoral Laws*, New Haven: Yale University Press.
- Reynolds, Andrew and Iayna Mosley (2002). *THE CONSEQUENCES OF ELECTORAL SYSTEMS: A GLOBAL STUDY*, the Conference on the Consequences of Institutions in Democracy, Duke University.
- Rocha Menocal, Alina (2011). *Why Electoral Systems Matter: An Analysis of their Incentives and Effects on Key Areas of Governance*, London: Overseas Development Institute.
- Taagepera, Rein and Matthew Shugart (1991). *The Effects and Determinants of Electoral Systems*, Yale: Yale University Press.
- Yon, Richard M. (2011). *Electoral Systems: in the Encyclopedia of Political Science Eds*, George Thomas Kurian. Washington DC: CQ Press.